

باسمه تعالی

ردّ مظالم

تعریف

حکم فقهی رد مظالم

لزوم اذن حاکم شرع در ردّ مظالم

مظالم دوران کودکی

نحوه محاسبه مظالم عباد

رد مظالم از طرف میت

لُقطه و حکم آن

سفارش اسلام در باب لقطه

چند استفتای جدید

آثار عدم رد مظالم از دیدگاه روایات

الف) مظالم عباد، حقوقی که خدا درباره‌ی آن‌ها فروگذار نخواهد نمود

ب - رد مظالم شرط قبولی توبه

ج - مظالم عباد مانع گذشتن از پل صراط

د - سنگین بودن تاوان ظلم

ح - پرداخت نکردن حقوق واجب، گریبان انسان را مانند مار خواهد گرفت

تذکری درباره مظالم غیر مالی عباد

ردّ مظالم

تعریف

یکی از واجبات مالی در اسلام رد مظالم است. مظالم جمع کلمه "مظلمه" و در اصطلاح به اموال و بدهی‌هایی گفته می‌شود که انسان از روی ظلم و بی‌عدالتی از بندگان خدا گرفته و نپرداخته است و ردّ مظالم، برگرداندن اموال و حقوق غصبی به صاحبان آن است و در اصطلاح فقه عبارت است از مالی که بابت دین یا دیون بر ذمه کسی آمده و باید پرداخت شود. آیت‌الله شیخ اسدالله تستری درباره‌ی رد مظالم و چپستی آن چنین فرموده است: «مظالم در لغت جمع مظلمه است و آن مالی است که به ناحق و از روی ظلم گرفته شده است. پس رد مظالم عبارت است از برگرداندن این مال (به صاحب آن)؛ و گاهی به سائر اموال و حقوقی که برای مردم است و ابتدائاً از روی ظلم گرفته نشده و بر ذمه انسان است، نیز اطلاق می‌گردد.»^۱

بنابراین رد مظالم هم شامل اموالی است که از ابتدا از روی ظلم و ستم و غصب و دزدی و مانند آن از مردم گرفته شده، و هم اموالی که در ابتدا از روی ظلم اخذ نشده (مانند مالی که قرض گرفته یا مالی که پیدا نموده) اما در ادامه از روی ظلم و طمع بازگردانده نمی‌شود. علاوه بر عنوان ردّ مظالم، عنوان دیگری در فقه وجود دارد که با رد مظالم نزدیک بوده و در بعضی موارد با هم یکی می‌شوند و آن عنوان "مال مجهول‌المالک" است. آیت‌الله شیخ محمد جواد مغنیه در این باره چنین فرموده‌اند: «مال مجهول‌المالک مالی است که مالک آن شناخته شده نیست که اخذ و برداشتن این مال جایز نیست. اما گاهی از روی غفلت و خطا در اموال انسان داخل می‌شود. به‌عنوان مثال در یک هتل اثاثیه شما با اثاثیه شخص دیگر که او را نمی‌شناسید مخلوط و اشتباه می‌شود. و از مصادیق دیگر مال مجهول‌المالک آن است که شخصی نزد شما مالی را به امانت گذارده و سپس غائب می‌گردد به گونه‌ای که شما نام

او را از یاد برده و راهی که به او دسترسی یابید ندارید... و حکم مال مجهول‌المالکی که در دست توست آن است که بعد از مایوس شدن از یافتن صاحب آن، از طرف او آن را صدقه دهی. در روایت دارد که از حضرت صادق علیه‌السلام درباره‌ی کسی که متاع دیگری نزد اوست و او صاحبش را نمی‌شناسد سؤال نمودند. حضرت فرمود: إذا كان كذلك فبعه و تصدق به^۱؛ اگر این‌گونه است آن متاع را بفروش و پول آن را صدقه بده.^۲

باید توجه داشت مواردی که مالی از روی ستم نگاه داشته شده و مالک آن نیز معلوم و مشخص است، این مال فقط از مصادیق رد مظالم است. اما اگر مالی از روی ستم نگاه داشته شده و مالک آن نیز مشخص نباشد، در این‌جا هم عنوان مظالم و هم مال مجهول‌المالک بر آن صدق می‌کند. و اگر مالی بدون ستم و ظلم نزد شخصی است و مالک آن مشخص نیست، فقط عنوان مجهول‌المالک بر آن صادق است.

البته در کتب فقهی این موضوع تحت عنوان مال مخلوط به حرام هم آمده است.

حکم فقهی رد مظالم

حضرت امام خمینی رحمت‌الله‌علیه می‌فرماید:

«مال حلال مخلوط به حرام: البته در صورتی که صاحب آن مال حتی در عددی محصور معلوم نباشد (چون اگر بداند که مثلاً متعلق به یکی از چند نفر معین است باید برود و صاحبش را پیدا نموده مال او را به او بپردازد) و نیز در صورتی است که مقدار آن مال نیز معلوم نباشد، که در این صورت پنج یک همه‌ی آن مال مخلوط را به ولی خمس [حاکم‌شرع]^۳ می‌دهد»

اما اگر مقدار مال (حرام) را بداند، پس اگر صاحب مال را هم می‌شناسد باید مال را به صاحبش بدهد و جای خمس دادن نیست. بلکه اگر او را در ضمن عدد محصوری بداند احتیاط (واجب) آن است که از آنان خلاصی پیدا کند (و به نحوی رضایت‌شان را تحصیل نماید) پس اگر ممکن نباشد اقوی آن است که (برای تعیین کردن مالک) به قرعه رجوع شود و اگر صاحب آن را نشناسد یا در ضمن عدّه غیر محصور باشد، احتیاطاً با اذن حاکم، به هر کسی بخواهد صدقه می‌دهد، مادامی که گمان به خصوص شخصی (که او مالک آن

۱. إذا كان كذلك فبعه و تصدق بتميه - وسائل الشيعه، ج ۲۵، ص ۴۵۱ - تهذيب الأحكام، ج ۶، ص ۳۹۵

۲. فقه الإمام الصادق عليه السلام، ج ۴، ص ۳۰۶

۳. تحریر الوسیله امام خمینی رحمت‌الله‌علیه (ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی)، ج ۲ کتاب خمس

باشد) نداشته باشد و گرنه نباید احتیاط را ترک کند که آنرا به همان شخص مخصوص صدقه بدهد به شرط آن که مورد صدقه (و مستحق) باشد. البته گمان به شخص خاص (مالک) در میان عده محصوری فایده ندارد (و باعث نمی‌شود که مالک معین شود و چنان که گذشت باید رضایت همه‌ی آنها را به دست آورد یا به قرعه رجوع نماید). و اگر مالک را بشناسد ولی مقدار آنرا نداند باید از راه صلح با او تخلص پیدا کند.^۱

گاهی ممکن است حق کسی بر گردن ما باشد ولی در عین مال ما نباشد و به دلایلی تلف یا مصرف شده است. اینها دینی است که بر ذمه ماست. به‌عنوان مثال آنچه در مانشین‌های عمومی و مسافربری جا می‌ماند یا در مغازه‌ها، از مشتری جا می‌ماند، یا در مسافرخانه و امثال آن جا می‌ماند و پولی که اشتبهاً و اضافی به انسان داده می‌شود و بعداً متوجه می‌شود، یا بدهی و خسارتی که شخص به دیگری وارد کرده و مهریه و نفقه‌ی زن و اجرت کارگر و ضرر مالی یا بدنی که موجب دیه شده و جبران نکرده و آنچه از این قبیل امور است، همه دین است.^۲ حضرت امام خمینی رحمت‌الله‌علیه درباره این موضع فرموده‌اند:

«اگر حق کس دیگری در ذمه او باشد نه در عین مال او، جایی برای خمس نیست؛ بلکه در این صورت اگر مقدار آنرا بداند ولی صاحب آنرا حتی در ضمن عدد محصورى نشناسد، آن مقدار را با اذن حاکم شرع از طرف صاحبش صدقه می‌دهد یا به حاکم تحویل می‌دهد. و اگر بداند که صاحب آن در ضمن عدد محصورى است اقوی آن است که به قرعه رجوع نماید. و اگر مقدار آنرا نداند و بین کم و زیاد مردّد باشد، کم را در نظر گرفته به مالک آن - در صورتی که شخصاً معلوم باشد - می‌پردازد. و اگر مالک بین عدد محصورى مردّد باشد پس حکم آن بدان‌گونه است که گذشت. و اگر مالک آن مجهول یا در عدد غیر محصورى معلوم باشد، آنرا صدقه می‌دهد چنان که گذشت؛ و احتیاط (مستحب) آن است که در این صورت، با حاکم شرع به مقدار حد وسط بین کم و زیاد مصالحه کند پس با آن معامله آن چیزی که مقدارش معلوم است می‌شود (که آنرا از طرف صاحبش صدقه می‌دهد).»^۳

حضرت امام خامنه‌ای مدظله‌العالی نیز در پاسخ به سؤالی فرموده‌اند:

۱. ترجمه تحریرالوسیله امام خمینی رحمت‌الله‌علیه (چاپ موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی) ج ۱ ص ۴۱۰
 ۲. برای این مثال‌ها از جامع‌المسائل (استفتائات) حضرت آیت‌الله فاضل لنکرانی رحمت‌الله‌علیه ج ۲، ص ۳۹۶ و ۳۹۷ استفاده شد.

۳. ترجمه تحریرالوسیله، پیشین ص ۴۱۱

سؤال ۸۹۴: اگر مال حرامی با مال انسان مخلوط شود، آن مال چه حکمی دارد و چگونه حلال می‌شود و در صورت علم به حرمت یا عدم علم به آن وظیفه انسان چیست؟
 جواب: اگر یقین به وجود مال حرام در اموالش دارد، ولی مقدار دقیق آن را نمی‌داند و صاحب آن را هم نمی‌شناسد، راه حلال کردن آن‌ها این است که خمس آن را بپردازد، ولی اگر شک در مخلوط شدن مال حرام با اموال خود داشته باشد، چیزی بر عهده او نیست.^۱

لزوم اذن حاکم شرع در ردّ مظالم:

به اعتقاد اکثر فقها، اجازه حاکم شرع در پرداخت ردّ مظالم و مال مجهول‌المالک به‌عنوان صدقه، لازم و ضروری است. حضرت امام خمینی رحمت‌الله علیه در این باره چنین فرموده‌اند: «اگر مال حلال با مال حرام مخلوط شود و انسان مقدار حرام را بداند ولی صاحب آن را نشناسد، باید آن مقدار را به نیت صاحبش صدقه بدهد و احتیاط واجب آن است که از حاکم شرع هم اذن بگیرد.»^۲

حضرت امام خامنه‌ای مدظله‌العالی در این خصوص چنین فتوی داده‌اند:

«سؤال ۱۰۲۰: آیا حقوق شرعی (خمس، ردّ مظالم، زکات) از شوون حکومت است یا خیر؟ و کسی که خمس بر عهده اوست، آیا می‌تواند خودش سهم سادات و ردّ مظالم و زکات را به افراد مستحق بدهد؟»

جواب: در زکات جایز است که خودش آن‌ها را به فقرا و متدین و غنی بدهد، و در ردّ مظالم أحوط آن است که با اذن حاکم شرع باشد، ولی در خمس واجب است که همه‌ی آن را به دفتر ما و یا به یکی از وکلای مجاز ما تحویل دهد تا در موارد شرعی که برای آن مقرر شده، مصرف شود، و یا در پرداخت آن به مستحقین اجازه بگیرد.»^۳

مظالم دوران کودکی:

نکته مهم دیگر آن است که رد مظالم فقط مربوط به اموالی که انسان در بزرگسالی و سن بلوغ غصب یا ضایع نموده، نمی‌شود بلکه شامل ضایعاتی که فرد در سنین کودکی به اموال مردم وارد نموده نیز می‌گردد. به‌عنوان مثال کودکی ۶ ساله با سنگ شیشه خانه مردم را شکسته و فرار می‌کند یا وارد باغ مردم شده و میوه می‌خورد. در این جا برعهده‌ی والدین این کودک است که پول شیشه یا میوه را حساب نموده و پرداخت نمایند. اما اگر والدین از این مساله مطلع نشده و یا به هر دلیلی پرداخت ننمودند، بر عهده خود این کودک است که

۱. اجوبه‌الاستفتائات ص ۱۸۶ ۲. رساله عملیه، مساله ۱۸۱۴ ۳. اجوبه‌الاستفتائات، ص ۲۱۸

پس از رسیدن به سن بلوغ محاسبه نموده و در صورت داشتن نشانی صاحب آن به او پرداخت نماید و در صورت نداشتن نشانی و نشناختن مالک، از طرف او و با اذن مجتهد جامع الشرائط به فقیر صدقه دهد. در این خصوص از دفتر حضرت امام خامنه‌ای مدظله‌العالی چنین استفتاء شده است:

اگر کسی در کودکی پول کسی را برداشته، در بزرگسالی چه باید کند؟

در هر صورت اگر صاحب آن را می‌شناسید باید به صاحبش برگردانید و نیاز نیست ایشان مطلع شوند و اگر از پیدا کردن صاحب آن مأیوس هستید با اذن حاکم شرع از طرف صاحبش به فقیر صدقه بدهید.

نحوه محاسبه مظالم عباد:

همان‌گونه که در بخش‌های قبل آمد در محاسبه مظالم چند صورت متصور است:

۱- مقدار مال و صاحب آن معلوم است که باید عین آن یا عوضش به صاحبش داده شود.

۲- مقدار مال معلوم است ولی صاحبش معلوم نیست. این بخش دو حالت دارد:

الف) صاحب مال اصلاً معلوم نیست. در این صورت همان مقدار را در صورت نومی‌دی از

یافتن صاحب آن با اجازه مرجع تقلید، صدقه بدهد.

ب) مالک در بین افراد محدودی معین است. به‌عنوان مثال یکی از این ۱۰ نفر مالک

است؛ در این‌جا طبق نظر حضرت امام خمینی رحمت‌الله‌علیه باید با قرعه انداختن مالک را

معین و مال را به او پرداخت نماید. البته فقها راه‌های دیگری نیز برای خلاصی از این مشکل

فرموده‌اند شامل: بار کردن حکم مجهول‌المالک بر آن (یعنی صدقه دادن)، راضی کردن تمام

افرادى که احتمال مالک بودن آن‌ها می‌رود از هر راه ممکن، و توزیع یکسان مال بین آن‌ها.

۳- مقدار مال معلوم نیست ولی صاحبش معلوم است. باید حداقل مقداری که یقین دارد

را به او بپردازد و احتیاط آن است که صاحب مال را به نحوی راضی کند.

۴- مقدار مال و صاحب آن مشخص نیست. که این موضوع هم دو بخش دارد:

الف) در مقدار مال مردد است. به‌عنوان مثال مردد بین صد هزار یا دویست هزار تومان

است و مالک را نیز نمی‌شناسد. در این صورت باید مقداری را که یقین دارد، صدقه بدهد که

در مثال ما صد هزار تومان یقینی و مازاد بر آن مشکوک است.

امام خمینی رحمت‌الله‌علیه در این‌باره چنین فرموده‌اند: احتیاط در این‌جا که مال مردد

بین کم و زیاد است، آن است که با حاکم شرع به مقدار حدّ وسط بین کم و زیاد مصالحه

کند. (مبلغ ۱۵۰ هزار تومان را در مثال فوق پرداخت نماید)»^۱

ب) مقدار را به هیچ وجه نمی داند یعنی اجمالاً می داند مظالمی از عباد بر گردن اوست اما هیچ گونه حدسی درباره ی میزان آن ندارد. در این صورت باید یک پنجم مالی را که حرام در آن قرار دارد، به نیت ادای وظیفه، تحت عنوان خمس پرداخت نماید.

حضرت امام خمینی رحمت الله علیه فرموده اند: «اگر مال حلال با مال حرام به طوری مخلوط شود که انسان نتواند آن ها را از یکدیگر تشخیص دهد و صاحب مال حرام و مقدار آن هیچ کدام معلوم نباشد، باید خمس تمام مال را بدهد و بعد از دادن خمس، بقیه مال حلال می شود.»^۲

تذکر مهم: در محاسبه رد مظالم ملاک قیمت روز است. یعنی اگر انسان مالی را ۲۰ سال قبل ضایع نموده، در رد به مالک یا دادن صدقه باید قیمت امروز را در نظر بگیرد.

رد مظالم از طرف میت:

همان طور که می دانیم انسان مجاز است درباره ی ثلث اموال خود برای بعد از مرگ، وصیت نماید و وصیت او درباره ی دو ثلث دیگر نافذ نیست، زیرا شرعاً تعلق به ورثه او دارد. به عنوان مثال اگر فردی وصیت کند که نصف اموالش را بعد از مرگش در روضه ی سیدالشهداء علیه السلام خرج نمایند، این وصیت نافذ نبوده و ورثه باید یک سوم اموال او را در این راه صرف نمایند. با حفظ این مقدمه، اگر ورثه می دانند میان اموال میت مال حرام وجود دارد، قبل از تقسیم ارث باید اموال را به صاحبان آن ها بازگردانند. اما اگر صاحب اموال را نمی شناسند و امکان شناسایی هم وجود ندارد باید با اجازه مرجع تقلید، به مقداری که یقین دارند مال دیگری است به فقرا صدقه بدهند و اگر مقدار را هم نمی دانند یک پنجم اموال را به با اجازه مرجع تقلید به نیت قصد ادای وظیفه اعم از خمس و صدقه به فقرا صدقه بدهند. حال اگر میت وصیت کرده باشد که فلان مبلغ بابت رد مظالم بدهند، لازم است آن مبلغ را با اجازه مرجع تقلید به فقرا صدقه بدهند، در این صورت حتی اگر مقدار مال مورد وصیت بیش از ثلث مال میت باشد باید به آن عمل شود زیرا تقسیم اموال میت بعد از پرداخت تمام دیون اوست.

حضرت امام خمینی رحمت الله علیه در این باره چنین فرموده اند: «حجتی که بر میت

۱. تحریر الوسیله، کتاب الخمس، مساله ۲۹

۲. رساله عملیه، مساله ۱۸۱۳

واجب است (و باید برای آن اجیر بگیرند) و بدهکاری و حقوقی را که مثل خمس و زکات و مظالم، ادا کردن آن‌ها واجب می‌باشد، باید از اصل مال میت بدهند، اگرچه میت برای آن‌ها وصیت نکرده باشد.^۱

لُقْطَه و حَکْم آن:

یکی دیگر از عناوینی که در رابطه با اموال مردم در فقه ما مطرح است لقطه می‌باشد. لقطه در اصطلاح فقهی عبارت است از هر مال یا جنسی که مالکش آن را گم کرده و در اختیارش نیست. حال اگر کسی این مال یا جنس گم شده را پیدا کند و آن را بردارد، اگر قیمت آن کم‌تر از یک درهم (یعنی ۱۲/۶ نخود نقره سکه‌دار)^۲ بوده و صاحب آن معلوم نباشد، [و نشانه‌ای برای پیدا کردنش موجود نیست] می‌تواند بردارد و تملک نماید و از آن استفاده کند. اما اگر قیمت مال گم شده، بیش از یک درهم باشد و نشانه هم داشته باشد، باید تا یک سال اعلام کند. کیفیت اعلام بدین صورت است که از روزی که آن را پیدا کرده تا یک هفته، هر روز و پس از آن تا یک سال، هفته‌ای یک مرتبه در محل اجتماع مردم اعلام کند.

سفارش اسلام در باب لقطه:

بهتر این است که هر گاه انسان گم شده‌ای را یافت آن را بر ندارد تا از این نظر، تکلیفی بر عهده‌اش نباشد، مگر این که بر نداشتن آن موجب تلف شدن مال گردد. یکی از شاگردان امام صادق علیه‌السلام می‌گوید: درباره «لقطه» از امام سؤال کردم، فرمودند: «لَا تَعْرِضْ لَهَا، فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ تَرَكَوْهَا لَجَاءَ صَاحِبُهَا حَتَّى يَأْخُذَهَا - معترض گم شده نشو (آن را بر ندار)؛ چون اگر مردم آن را رها کنند، صاحبش می‌آید و آن را بر می‌دارد»^۳

امام باقر علیه‌السلام فرموده‌اند: «لَا يَأْكُلُ الصَّالَّةَ إِلَّا الصَّالُونَ - گم شده را جز گمراهان نمی‌خورند»^۴

تذکر مهم: مسائل بسیار زیادی در باب رد مظالم، مال مجهول‌المالک و لقطه (مالی که انسان پیدا می‌کند) باقی است که از حوصله نوشتار ما خارج است. لذا شایسته است خواننده عزیز برای آشنایی با فروع بیشتر به رساله مرجع تقلید خود مراجعه نماید.

۱. رساله عملیه، مساله ۲۷۱۹

۲. بنا بر محاسبه ما در تاریخ ۱۸/۱۰/۹۱ حدود شش هزار و سیصد تومان می‌شود.

۳. تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)، ج ۶، ص ۳۹۰ ۴. وسائل الشیعه، ج ۲۵، ص ۴۴۰

چند استفتای جدید

آنچه در پی می‌خوانید چند استفتا از حضرت امام خامنه‌ای است که از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر معظم‌له برداشت شده است.^۱

استفاده از چیزهای کم ارزش

س ۱: آیا تصرفات جزئی مثل رد شدن از روی مصالح ساختمانی کنار خیابان، یا بعضی چیزهای کم ارزش دیگران که به دست ما می‌رسد، اشکال دارد یا نه؟
 س ۲: و استفاده از سبزی خوردن‌های عمومی بازار یا آبغوره و آمیوه‌گیری که مقداری از مال شخص قبلی در آن به جا مانده است و با مال ما قاطی می‌شوند اشکال دارد یا نه؟
 ج (و ۲) در هر دو فرض مرقوم استفاده اشکالی ندارد.

خوردن میوه‌های مجهول‌المالک

س: مصرف میوه‌ای که به صورت تکی یا دسته‌ای در جویبار و نهر روستا یافت می‌شود چه حکمی دارد؟ وظیفه چیست؟
 ج) با اطمینان به اعراض صاحب آن، استفاده از آن مانع ندارد.

تصرف در اموال مورد اعراض

س: اگر وسیله‌ای پیدا کنیم که مشخص باشد آن را دور انداخته‌اند، اما آن وسیله برای ما کارآیی دارد، آیا می‌توانیم آن را برداریم یا نه؟
 ج) با احراز آن که از آن وسیله اعراض شده، تصرف در آن مانع ندارد.

فروش لُقطه

س: من دو سال قبل ساعتی از اماکن تفریحی خارج از شهر پیدا کردم و تا الان آن را نگه داشته‌ام آیا می‌شود آن را به برادرم فروخته و مبلغ آن را صدقه دهم؟
 ج) وظیفه شما این است که در مکانی که آن را یافته‌اید، از صاحبش تحقیق کنید و پس از مایوس شدن می‌توانید خود ساعت یا پول آن را به فقیر بدهید.

۱. استفتائات جدید بخش خمس و اموال پیدا شده و... - یه به نشانی

عوض شدن کفش‌های مشابه

س: من پس از اتمام مجلسی، کفش خود را نیافتم و فقط کفشی را یافتم که نوتر و بسیار شبیه به کفش خودم بود. اکنون یک هفته از آن ماجرا می‌گذرد اما کسی جهت تعویض کفش مراجعه نکرده است. آیا با توجه به این‌که آن فرد اشتباه کرده است و هنوز مراجعه نکرده است آیا جایز است من در آن تصرف کنم؟ در صورت منفی بودن جواب بفرمایید من باید با این کفش و کفش مفقود شده‌ام چه کنم؟

ج) جایز نیست و حکم مجهول‌المالک را دارد که با یأس از پیدا شدن صاحب آن بنا بر احتیاط با اجازه حاکم شرع از طرف صاحبش به فقیر صدقه دهید مگر آن‌که بدانید صاحب آن رضایت داشته یا خود صاحب کفش باقی مانده، کفش را برده است و در صورت اخیر اگر قیمت کفش موجود از کفش شما بیشتر باشد مابه‌التفاوت را از طرف صاحب آن به فقیر صدقه دهید.

تصرف در اموال تعاونی‌ها برای جهات خاص

س: در باب تعاونی‌های مسکن معروض می‌دارم تعاونی مسکنی که در حال اجرای چندین پروژه است آیا مجاز می‌باشد بدون رضایت بعضی از اعضا پول واریزی این افراد را به نفع اعضای پروژه‌های دیگر با عناوین مختلف هزینه نماید. آیا یکی بودن شماره حساب بانکی برای تمام پروژه‌ها دلیل شرعی این عمل می‌تواند باشد؟

ج) تصرف در مال غیر بدون اذن جایز نیست و وحدت حساب بانکی مجوز تصرف در مال غیر نمی‌باشد.

تصرف در مالی که صاحبش مصرف آن را معین کرده است

س: اگر مبلغی برای مصارف معینی در اختیار انسان قرار گیرد و انسان با تدابیری نحوه مصرف را بهینه و مدیریت نماید و بخشی از اضافه آن را برای سایر مواردی که پیش‌بینی نشده مانند قرض به افراد در نظر بگیرد مشروط به این‌که به محض نیاز عودت گردد چه حکمی دارد؟

ج) باید به همان مصرف تعیین شده برسد مگر صاحب پول اجازه دهد در راه دیگری صرف شود که در این صورت جایز است.

تصرف در اموال میت بدون اجازه ورثه

س: آیا می‌شود بدهی کمی را که به شخص متوفی^۱ دارم، شخصاً برای ایشان در راه خیر خرج کنم؟

ج) در فرض سؤال باید به ورثه ایشان بپردازید.

آثار عدم رد مظالم از دیدگاه روایات

الف) مظالم عباد، حقوقی که خدا درباره‌ی آن‌ها فروگذار نخواهد نمود:

امام باقر علیه‌السلام فرموده‌اند: «الظُّلْمُ ثَلَاثَةٌ ظَلَمْتُ يَعْزُرُهُ اللَّهُ وَ ظَلَمْتُ لَا يَعْزُرُهُ اللَّهُ وَ ظَلَمْتُ لَا يَدَعُهُ اللَّهُ فَأَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يَعْزُرُهُ فَالشَّرْكُ وَ أَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي يَعْزُرُهُ فَظَلَمْتُ الرَّجُلِ نَفْسَهُ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ وَ أَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يَدَعُهُ فَالْمُدَايَنَةُ بَيْنَ الْعِبَادِ - ظلم بر سه‌گونه است: اول ظلمی که خدا بیامرزد دوم ظلمی که خدا بیامرزد سوم ظلمی که خدا فرو نگذارد. اما ظلمی که خدا بیامرزد شرک به خداوند است، اما ظلمی که خدا می‌آمرزد ظلمی است که انسان میان خود و خدایش بر خود روا دارد، اما ظلمی که خدا آن را فرو نگذارد (پایمال کردن) حقوق مردم است.»^۱

مطابق این روایت شریفه، خدای متعال از مظالم عباد نخواهد گذشت و از احقاق حقوق مظلوم فروگذار نخواهد نمود.

ب - رد مظالم شرط قبولی توبه:

مردی از قبیله نخع خدمت امام باقر علیه‌السلام آمد و عرض کرد: «إِنِّي لَمْ أَزَلْ وَإِلِيَّ مُنْذُ زَمَنِ الْحِجَاكِحِ إِلَى يَوْمِي هَذَا فَهَلْ لِي مِنْ تَوْبَةٍ قَالَ فَسَكَتَ ثُمَّ أَعَدْتُ عَلَيْهِ فَقَالَ لَا حَتَّى تُؤَدِّيَ إِلَى كُلِّ ذِي حَقٍّ حَقَّهُ - من همواره از زمان حجاج بن یوسف تاکنون سمت استانداری را بر عهده داشته‌ام، آیا راه توبه‌ای برای من وجود دارد؟! امام علیه‌السلام سکوت کرد، باز پیرمرد سخن خود را تکرار کرد، امام فرمود: نه توبهات قبول نمی‌شود تا به هر کسی که حقش پایمال شده حقش را بپردازی.»^۲

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرموده‌اند: «مَنْ اقْتَطَعَ مَالَ مُؤْمِنٍ غَضَبًا يَغَيِّرُ حَقَّهُ لَمْ يَزَلْ لِلَّهِ مُعْرِضًا عَنْهُ مَا قَاتَلَ لِأَعْمَالِهِ الَّتِي يَعْمَلُهَا مِنَ الْبِرِّ وَالْخَيْرِ لَا يُشْبِثُهَا فِي حَسَنَاتِهِ حَتَّى يَتُوبَ وَ يَرُدَّ الْمَالَ الَّذِي أَخَذَهُ إِلَى صَاحِبِهِ - هر که مال مؤمنی را از روی غضب تصرف کند، همواره خدا از او روی برمی‌گرداند و هر چه عمل نیک و خیر انجام دهد خداوند آن‌ها را نادیده گرفته و در پرونده‌ی حسناتش ثبت نمی‌کند تا مالی را که گرفته به صاحبش باز گرداند.»^۳

از این دو روایت استفاده می‌شود که شرط قبولی توبه و توجه خدای متعال به انسان، بازگرداندن حقوق مردم و مظالم عباد است.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۵۳

۲. الکافی ج ۲، ص ۳۳۱

۱. الأُمالی (للصدوق)، النص، ص ۲۵۳

ج - مظلّم عباد مانع گذشتن از پل صراط:

امام صادق علیه‌السلام در توضیح آیه «إِنَّ رَبَّكَ لَبَلَمُصَادٍ - همانا پروردگارت در کمینگاه است» (فجر/۱۴) فرمودند: «فَنَطْرَةٌ عَلَى الصِّرَاطِ لَا يَجُوزُهَا عَبْدٌ بِمَظْلَمَةٍ - مرصاد پلی است بر صراط که اگر کسی مرتکب ظلمی شده باشد، نمی‌تواند از آن عبور کند.»^۱

د - سنگین بودن تاوان ظلم:

جناب زَیْدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ از پدر بزرگوارشان امام زین‌العابدین علیه‌السلام نقل کرده‌اند که حضرت فرمود: «مَا يَأْخُذُ الْمَظْلُومُ مِنْ دِينِ الظَّالِمِ أَكْثَرَ مِمَّا يَأْخُذُ الظَّالِمُ مِنْ دُنْيَا الْمَظْلُومِ - آنچه مظلوم از دین ظالم می‌گیرد، بیش از آن چیزی است که ظالم از دنیای مظلوم می‌گیرد.»^۲

حضرت علی علیه‌السلام فرمودند: «يَوْمُ الْعَدْلِ عَلَى الظَّالِمِ أَشَدُّ مِنْ يَوْمِ الْجُورِ عَلَى الْمَظْلُومِ - روز اجرای عدالت (قیامت)؛ بر شخص ظالم، بسیار سخت‌تر است از روزی که او بر مظلوم ستم روا داشته است.»^۳

ز - مظلّم مالی عباد، قطعه‌ای از آتش جهنم:

امام صادق علیه‌السلام فرموده‌اند: «مَنْ أَكَلَ مَالَ أَخِيهِ ظُلْمًا وَ لَمْ يَزِدْ عَلَيْهِ أَكَلَ جَدْوَةً مِنَ النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ - کسی که مال برادر مسلمانش را ستمکارانه بخورد و آن را به وی بازنگرداند، در روز قیامت آتش سرخ شده و گل انداخته جهنم را خواهد خورد.»^۴

ح - پرداخت نکردن حقوق واجب، گریبان انسان را مانند مار خواهد گرفت:

امام صادق علیه‌السلام فرمود: «مَا مِنْ رَجُلٍ يَمْنَعُ دِرْهَمًا فِي حَقِّهِ إِلَّا أَنْفَقَ اثْنَيْنِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ وَ مَا مِنْ رَجُلٍ يَمْنَعُ حَقًّا فِي مَالِهِ إِلَّا طَوَّقَهُ اللَّهُ بِهِ حَيَّةً مِنْ نَارِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ.»^۵

مرحوم مجلسی اول در شرح و ترجمه این روایت چنین فرموده‌اند: «حضرت امام جعفر صادق صلوات‌الله‌علیه فرمودند: که هر کس که یک درهم از زکات یا غیر آن از حقوق واجب را منع کند که در موقع خود صرف نکند البته منع لطف و توفیق از او بشود که دو درهم در

۱. اصول کافی، طبع دارالحدیث، ج ۴، ص ۲۴

۲. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، النص، ص ۲۷۲

۳. نهج البلاغه (للصّبحی صالح) ص ۵۳۴ شماره [۳۴۸] ۳۴۱

۴. اصول کافی، طبع اسلامی، ج ۲، ص ۳۳۳

۵. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۱

غیر مصرف از مصارف محرمه صرف نماید یا به زور از او بگیرند و هر کس حقی از حقوق واجبه در مالش باشد مانند زکات و خمس و رد مظالم و نهدد حق سبحانه و تعالی آن حق را ماری کند آتشین و در گردنش اندازد در روز قیامت.^۱

تذکری درباره مظالم غیر مالی عباد:

در این بخش انسان موظف است تمام ضررهای آبرویی و غیر مالی مانند غیبت، تهمت، استهزاء، فحاشی کردن و... که به افراد دیگر وارد نموده است را تحت ضابطه و قواعد شرعی هر مورد جبران نماید. اگر اکنون که وقت باقی است به فکر جبران مظالمی که بر بندگان خدا روا داشته‌ایم نباشیم، به زودی آتش حسرت و اندوه دامن ما را خواهد گرفت و البته دیگر این پشیمانی سودی نخواهد داشت و حسابرس قیامت به‌طور کامل حقوق مالی و عرضی مردم را از ما اخذ خواهد نمود. و چون دست ما تهی است و چیزی برای جبران نداریم، مطابق احادیث شریفه از کارهای خوب و شایسته بدهکار برداشته و به حساب طلبکار می‌گذارند تا کارهای نیک او بسیار شود، بلکه حق او تصفیه شود. و اگر کارهای نیک بدهکار کفایت نکند یا نداشته باشد، از گناهان طلبکار برمی‌دارند و به حساب بدهکار می‌گذارند، تا به این صورت شاکی راضی شود. این جاست که بدهکار با دست خالی به دوزخ می‌رود.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «أَنْتَ لِيَأْتِي الْعَبْدُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ قَدْ سَرَّتَهُ حَسَنَاتُهُ فَيَجِيي الرَّجُلُ فَيَقُولُ: يَا رَبِّ ظَلَمْتَنِي هَذَا فَيُؤَخِّدُ مِنْ حَسَنَاتِهِ فَيَجْعَلُ فِي حَسَنَاتِ الَّذِي سَأَلَهُ، فَمَا يَزَالُ كَذَلِكَ حَتَّى مَا يَبْقَى لَهُ حَسَنَةٌ، فَإِذَا جَاءَ مَنْ يَسْأَلُهُ نَظَرَ إِلَى سَيِّئَاتِهِ فَجَعَلَتْ مَعَ سَيِّئَاتِ الرَّجُلِ، فَلَا يَزَالُ يَسْتَوْفِي مِنْهُ حَتَّى يَدْخُلَ النَّارَ - در قیامت بنده‌ای که کار خوب بسیار دارد، در حالی که خوشحال است وارد محشر می‌شود. ناگهان شخصی از راه می‌رسد و می‌گوید: خداوند! این شخص [در دنیا] به من ظلم کرده است. پس از کارهای نیک او گرفته می‌شود و به آن مظلوم داده می‌شود تا جایی که کار خوب و حسنه‌ای برای بدهکار باقی نمی‌ماند، ولی هنوز طلبکار راضی نشده و حقش را طلب می‌کند، آن‌گاه از گناهان طلبکار برداشته به بدهکار می‌دهند تا جایی که آن شخص بدهکار (که به کارهای خوب خود دل خوش و بهشتی بود)، جهنمی می‌شود.»^۲

۱. لوامع صاحبقرانی مشهور به شرح فقیه، ج ۵، ص ۴۵۵

۲. حکم النبی الأعظم صلی الله علیه و آله وسلم (ری شهری)، ج ۵، ص ۳۰ به نقل از نه‌ایة البدایة والنه‌ایة: ج ۲ ص ۵۵ عن جابر